جستارهای زبانی
دوماهنامهٔ علمی- پژوهشی
د۹، ش۵ (پیاپی ۴۷)، آذر و دی ۱۳۹۷، صص۱-۳۳

مقولهٔ نفی و جایگاه آن در گویش لری کهگیلویه

عباسعلی آهنگر[۱*]، امیرعلی خوشخونژاد[۲]

۱. دانشیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

دریافت: ۹۶/۳/٤ پذیرش: ۹۶/۸/۱۷

چکیده

نفی یکی از مفاهیم اساسی در زبان‌های طبیعی است. در همهٔ زبان‌های طبیعی صورت‌های منفی متناظر با جملات مثبت وجود دارد. معنای جملات منفی در این زبان‌ها در تضاد با معنای جملات مثبت متناظرشان است. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی بازنمود ساخت‌واژی و نحوی مقولهٔ نفی و انواع جایگاه آن در گویش لری کهگیلویه بر اساس برنامهٔ کمینه‌گراست. اگرچه یکی از نویسندگان، گویشور بومی گویشِ مذکور است؛ اما داده‌های پژوهش از گفتار پنج گویشور مردِ مسن و بی‌سواد نیز استخراج شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نشانهٔ منفی در گویش لری پیش از گروه زمان Tense Phrase/TP و به‌عنوان گروهی مستقل تولید و در جایگاه‌های مختلفی در جمله ظاهر می‌شود. در جملات خبری غیراسنادی و استفهامی، نشانهٔ منفی ابتدا پیش از گروه زمان TP در هستهٔ گروه منفی، Negative Phrase/NegP1 تولید می‌شود، سپس توسط فعل جذب می‌شود. در این جایگاه، ارتباط بین فعل و هستهٔ گروه نفی از طریق رابطهٔ مطابقه صورت می‌گیرد. گروه منفی ۲ NegP2 دیگر جایگاهی است که این نشانگر در جملات خبری اسنادی در آن ظاهر می‌شود. در این جایگاه، نشانهٔ منفی دستخوش هیچ‌گونه حرکتی نمی‌شود و در جایگاه اصلی خود باقی می‌ماند. علاوه بر این، در این جملات نشانهٔ منفی می‌تواند به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون Focus Phrase/FP نیز حرکت کند. همچنین، در جملات پرسشی بلی ـ خیر، نشانهٔ منفی می‌تواند در جایگاه هستهٔ متمم‌نما Complimentizer Phrase/CP قرار گیرد. افزون بر این، نشانهٔ منفی در این گویش می‌تواند به‌عنوان پیشوند پیش از فعل قرار گیرد و به‌عنوان قید نفی نیز پیش از گروه زمان TP واقع شود.

واژه‌های کلیدی: مقولهٔ نفی، برنامهٔ کمینه‌گرا، گویش لری کهگیلویه، گروه زمان، گروه کانون، گروه متمم‌نما.

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: ahangar@english.usb.ac.ir

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

۱. مقدمه

یکی از ویژگی‌های جهانی زبان‌های طبیعی این است که هر زبانی قادر است نفی را بیان کند؛ به عبارت دیگر، هر زبانی ابزارهایی دارد که می‌تواند از طریق آن ارزش صدق محتوای گزاره‌ای جمله را نقض کند(Zeijlstra, 2004: 234). از سوی دیگر، زبان‌ها در شیوهٔ بیان نفی، تفاوت‌های زیادی دارند. امروزه، مطالعهٔ نفی توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه‌های مختلفی ازقبیل زبان-شناسی، فلسفه و روان‌شناسی زبان را به خود جلب کرده است (Haegeman, 1995: 70). برای زبان‌شناسان، به‌خصوص معناشناسان و کاربردشناسان مقولهٔ نفی نه فقط به‌سبب جایگاه منحصربه‌فرد آن، بلکه به‌دلیل ارتباط پیچیده‌اش با عملگرهای منطقی‌ای مانند کمیت‌نماها (quantifiers)، زمان و افعال کمکی مهم است (حجت‌الله طالقانی، ۲۰۰۸: ۱٤٥). همچنین، رفتار پیچیدهٔ نفی در واژه‌سازی اطلاعات مهمی را دربارهٔ محدودیت‌های فرایندهای ساخت‌واژی برای متخصصان ساخت‌واژه فراهم کرده است. دستوریان نیز به علت حوزه‌های ابهام و ارتباط بین جایگاه ساختاری نفی و تعبیر جایگاه نحوی نفی به این مقوله علاقه‌مندند(Zanuttini, 1997).

هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که رفتار ساخت‌واژی و نحوی مقولهٔ نفی را در گویش لری شهرستان کهگیلویه[1] مورد بررسی قرار دهد. در این راستا، پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آیا نشانهٔ منفی در گویش لری یک واژهٔ نقشی یا یک پیشوند است؟

۲. آیا نشانهٔ منفی در گویش لری در جایگاه‌های نقشی متفاوتی واقع می‌شود؟

بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش، فرضیه‌های اصلی زیر بیان می‌شود:

۱. نشانهٔ منفی در گویش لری یک واژهٔ نقشی است.

۲. نشانهٔ منفی در گویش لری در جایگاه‌های نقشی متفاوتی واقع می‌شود.

در این پژوهش جمله‌های خبری اسنادی و غیراسنادی و جمله‌های پرسشی بله ـ خیر در گویش لری بررسی می‌شود. در این راستا، اگرچه یکی از نویسندگان گویشور بومیِ این گویش بوده است، با وجود این، داده‌های پژوهش از گفتار پنج گویشور مرد مسن و بی‌سواد نیز استخراج شد. این داده‌ها از طریق مصاحبه و ضبط گفتار آزاد دربارهٔ موضوعات مختلف ازجمله جنگ، مراسم عزاداری و غیره جمع‌آوری شد. سپس، انواع جملات منفی بیان‌شده در

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

زمان‌های حال، گذشته و آینده شناسایی و عناصر منفی‌ساز استخراج شد.

مقالهٔ حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. بخش دوم این پژوهش به پیشینهٔ پژوهش اختصاص دارد. در بخش سوم، چارچوب نظری پژوهش بررسی می‌شود. سپس، نشانهٔ منفی، جایگاه و کارکرد آن در گویش لری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در پایان، نتیجه‌گیری پژوهش حاضر ارائه خواهد شد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

تاکنون دربارهٔ مقولهٔ نفی در ایران پژوهش‌های اندکی در چارچوب نحو کمینه‌گرا انجام گرفته است. در ادامه، به تعدادی از این آثار اشاره خواهد شد.

صدیق ضیابری و همکاران (۱۳۸٤) جایگاه عنصر نفی در زبان فارسی را در چارچوب برنامهٔ کمینه‌گرا تحلیل کرده‌اند. نویسندگان عنصر نفی را بر اساس دیدگاه ردفورد (2004) مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که در جملات منفی زبان فارسی، افعال اعم از اصلی و کمکی دارای مختصهٔ NEG قوی هستند و این مختصه در رابطه با فعل اصلی و کمکی، تحت عملکرد فرایندهای مختلف (حضور در میان دو بخش فعل مرکب، تبدیل به واج‌گونهٔ -ni، تکیه‌دار کردن نشانهٔ منفی و اضافه‌شدن به فعل کمکی) قرار می‌گیرد. به علاوه، در رابطه با افعال کمکی (در حالت بی‌نشان)، حرکت عنصر نفی از هستهٔ NEG، تحت تأثیر عملکرد حرکت هسته به هسته به سمت هستهٔ T که دارای فعل کمکی آشکار است، انجام می‌پذیرد. در این حالت نیز عنصر نفی به‌صورت پیشوند به ابتدای فعل اصلی متصل می‌شود، لذا به باور آن‌ها، شواهد زبان فارسی با دیدگاه ردفورد (2004) مبنی بر وجود مختصه‌های خاص در سازه‌های خاصی همسوست.

حسینی معصوم (۱۳۹۰) جایگاه و کارکرد مقولهٔ نفی را در تحلیل ساختی فارسی بر اساس برنامهٔ کمینه‌گرا بررسی کرده است. در این پژوهش، ضمن مطالعهٔ آراء مختلف در زمینهٔ جایگاه و نحوهٔ عملکرد مقولهٔ نقشی نفی، با ارائهٔ شواهدی به رد نظریه‌ای پرداخته شده است که جایگاه مقولهٔ یادشده را بر فراز گروه زمان در نظر می‌گیرد. وی فرافکن نفی در فارسی را سازهٔ بلافصل مشرف بر گروه فعلی بالایی vP پیشنهاد می‌کند. بر این اساس، پس از انضمام مجموعهٔ v به فعل کمکی، عنصر نفی از جایگاه هستهٔ فرافکن خود حرکت می‌کند و جذب سازهٔ

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

مذکور می‌شود. در صورت وجود عنصر نمود در جمله نیز، پس از حرکت فعل اصلی به هستهٔ Perf، کل سازهٔ حاصل توسط هستهٔ گروه زمان جذب و سپس، عنصر نفی به مجموعهٔ حاصل افزوده می‌شود.

رضایی (۱۳۹۲) به تحلیل جایگاه گروه نفی NegP در نمودارهای درختی جملات منفی زبان فارسی معیار در چارچوب برنامهٔ کمینه‌گرا پرداخت. برای دستیابی به این هدف، وی با کنار گذاشتن نفی سازه‌ای و تمرکز بر نفی جمله‌ای، ابتدا گروه نفی را به پیروی از پولاک[۲] (1989) فرافکنی مستقل در جملات منفی درنظر گرفت. سپس تلاش کرد تا جایگاه این فرافکن را در ساختار نحوی جملات منفی تعیین کند. در ادامه، دو دیدگاه نسبت به جایگاه فرافکن نفی در ساختار نحوی فارسی بررسی شد که یکی گروه نفی را بر فراز گروه زمان TP درنظر می‌گیرد (حجت‌الله طالقانی، ۲۰۰۸؛ کواک[۳]، ۱۳۸۷؛ صدیق ضیابری و همکاران، ۱۳۸٤) و دیگری دیدگاهی است که گروه نفی را زیرگروه زمان و مسلط بر گروه فعلی پوسته‌ای[٤] برمی‌شمارد (صدیق و همکاران، ۱۳۸٤؛ درزی، ۲۰۰۸). درنهایت، در این پژوهش با ارائهٔ شواهدی استدلال شد که جایگاه گروه نفی پایین‌تر از گروه زمان و بالای گروه فعلی پوسته‌ای قرار دارد.

غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) بر پایهٔ رویکرد کمینه‌گرا توزیع نشانهٔ نفی را در جملات پرسشی بلی ـ خیر در گویش دشتستانی بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که نشانهٔ نفی در جایگاه ماقبل فعل، پیشوند منفی است و در جایگاه ماقبل گروه‌های فعلی جزء قیدی منفی است که هر یک در گروه‌های جداگانه‌ای تولید شده است و با فعل در رابطهٔ مطابقه شرکت می‌کند. به‌علاوه، در جملات پرسشی بلی ـ خیر، نشانهٔ نفی به‌عنوان جزء قیدی منفی از جایگاه هستهٔ گروه نفی غیرمنضم به فعل حرکت می‌کند و در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد تا ضمن رعایت معیار نفی، تعبیر پرسشی جمله را فراهم سازد. عدم تحقق این حرکت، ساختی غیردستوری تولید می‌کند.

با وجود پیشینه‌ای هر چند اندک درخصوص مطالعهٔ کمینه‌گرایی مقولهٔ نفی و بازنمودهای ساخت‌واژی و نحوی آن در زبان فارسی، تاکنون پژوهشی دربارهٔ مقولهٔ نفی در گویش لری کهگیلویه صورت نگرفته است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

۳. چارچوب نظری

۳-۱. برنامهٔ کمینه‌گرا

برنامهٔ کمینه‌گرای چامسکی (1992، 1995، 1998، 2000، 2001) بخشی از چارچوب نظریهٔ اصول و پارامترها تلقی شده است که مبتنی بر رعایت حداکثر کمینگی است (Zeijlstra, 2004: 11). از دیدگاه بوئکس[۵] (2006)، کمینه‌گرایی از موفقیت نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی پدیدار شده است. وی همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که چامسکی در همهٔ نوشته های خود کمینه‌گرایی را یک برنامه دانسته است و نه یک نظریه. در برنامهٔ کمینه‌گرا، نظام زبان از دو بخش شامل واژگان[۶] و نظام محاسباتی[۷] تشکیل شده است. واژگان درون‌داد بخش محاسباتی را تأمین می‌کند و نظام محاسباتی نیز از واژگان برای تولید اشتقاق‌ها[۸] استفاده می‌کند (Chomsky, 2001). پس از انتخاب واحدهای واژگانی، این واحدها از طریق ادغام[۹] با یکدیگر، سازه‌های بزرگ‌تر را به‌وجود می‌آورند. همچنین، از طریق حرکت[۱۰] ، برخی سازه‌ها جابه‌جا می‌شوند (Chomsky, 2015, 1995). در برنامهٔ کمینه‌گرا، بر پایهٔ اصل اقتصاد، در تمام مراحل اشتقاق باید از درج مراحل پیچیده و غیرضروری خودداری شود. جابه‌جایی‌ها باید تا حد ممکن کوتاه و تنها عناصر دارای معنی در نمود ساخت زبانی حضور داشته باشند (Lasnik, 2002). به طور خلاصه، چامسکی (1995, 2015) ویژگی‌های اصلی برنامهٔ کمینه‌گرا را به‌صورت زیر بیان می‌کند:

۱. برنامهٔ کمینه‌گرا در چارچوب رویکرد اصول و پارامترهاست.

۲. تنها سطوح زبانی مطرح، صورت منطقی و صورت آوایی هستند.

۳. در این برنامه، نظام زبان از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود: واژگان و نظام محاسباتی.

۴. فرایند نحوی اصلی، فرایند ادغام است.

۳-۲. مقولهٔ نفی و جایگاه آن

اجر (2003: 17) معتقد است دو نوع منفی‌سازی وجود دارد: منفی‌سازی جمله‌ای[۱۱] و منفی-سازی سازه‌ای[۱۲] . منفی‌سازی جمله‌ای، درحقیقت، صورت غیرمنفی جمله را نفی می‌کند. بر اساس اجر(*ibid*)، جملهٔ ۱a نمونه‌ای از منفی‌سازی جمله‌ای که تعبیر آن به‌صورت ۱b است:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

(1) a. I haven't left yet .
b. It is not true that I have left yet.

از سوی دیگر، منفی‌سازی سازه‌ای، حقیقت کل جمله را نفی نمی‌کند؛ بلکه بیان می‌دارد که جمله در مورد چیزی غیر از عنصر نفی‌شده حقیقت دارد . در این راستا، اجر (*ibid*) مثال‌های ۲ و ۳ را به‌عنوان نمونه‌هایی از منفی‌سازی سازه‌ای ارائه داده است. در این مثال‌ها، فقط گروه حرف اضافه‌ای (مثال ۲) و گروه اسمی (مثال ۳) منفی شده است و نه کل جمله.

(2) I was sitting not under the tree (but under the bus).
(3) I was eating not a peach (but an apple).

علاوه بر این، هورن[۱۳] (1989) اصل نخست نفی[۱۴] را به‌عنوان تعمیمی درخصوص جایگاه ساخت‌واژی و نحوی مقولهٔ نفی ارائه می‌دهد.

اصل نخست نفی: تمایل قوی برای نشانهٔ منفی این است که به سمت چپ متمایل شود. از این رو، پیش از فعل خود ایستا یا سایر قطب‌های منفی می‌آید (Mazzon, 2004: 5).

در ادامه، ابتدا جایگاه ساخت‌واژی نشانهٔ منفی و سپس جایگاه نحوی آن تبیین می‌شود.

۳-۲-۱. جایگاه ساخت‌واژی نشانهٔ منفی

به باور زانوتینی (1997) مشاهدات بین‌زبانی نشان می‌دهد که با توجه به فعل، نشانهٔ منفی در سه جایگاه ظاهر می‌شود: الف) جایگاه پیش از فعل، ب) جایگاه پس از فعل و ج) هم‌زمان در جایگاه پیش و پس از فعل.

۳-۲-۱-۱. نشانهٔ منفی پیش از فعل

بعضی از زبان‌های رومیایی مانند ایتالیایی، اسپانیایی و پرتغالی یک بند را تنها از طریق به‌کار بردن نشانهٔ منفی در جایگاه پیش از فعل، منفی می‌کنند. نمونه‌ای از زبان ایتالیایی در زیر ارائه شده است:

(4) a. Gianni *non* ha telefonato a sua madre.
G. not has phone to his mother
'John hasn't called his mother'.

(Zanuttini, 1997: 3)

در میان زبان‌های هندواروپایی نیز در زبان‌های اردو و هندی، بند با استفاده از نشانهٔ منفی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]
[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

«nahĩ » منفی می‌شود. کاچرو[۱۵] (109 :1980) به نقل از جفرسون (1917) مثال ۵ را از زبان هندی ارائه داده است:

(5) larka lambā *nahī* hai.
boy tall not is
'The boy is not tall'. (*ibid*)

۳-۲-۱-۲. نشانهٔ منفی پس از فعل

دومین جایگاه ساخت‌واژی نشانهٔ منفی پس از فعل است. زبان رومیایی اوکیتان[۱۶] که در جنوب فرانسه صحبت می‌شود، نمونه‌ای از این زبان‌هاست. در این زبان‌ها، بند تنها از طریق استفاده از نشانگرهای نفی پس از فعل، منفی می‌شود (Zanuttini, 1997: 4). مانند:

(6)
Vŏl *pas* venir. (Occitan)
wants neg to-come
'He doesn't want to come.' (ibid)

۳-۲-۱-۳. وقوع هم‌زمان نشانهٔ منفی پیش و پس از فعل

سومین جایگاه ساخت‌واژی نشانهٔ منفی در جمله، وقوع هم‌زمان نشانهٔ منفی پیش و پس از فعل است که در زبان‌های لاتین دیده می‌شود. زبان معیار فرانسه نمونهٔ خوبی از این نوع زبان-هاست (*ibid*: 5).

(7)
Je *n*'ai *pas* parlé de toi.
I neg'have neg spoken of you
'I didn't talk about you.' (ibid) (فرانسه معیار)

۳-۲-۲. جایگاه نحوی نشانهٔ منفی

پولاک (1989) معتقد است عناصر تصریفی‌ای مانند مطابقه، نفی یا زمان، هسته‌های منحصربه-فردی هستند که درون یک فرافکن نقشی خاص خود واقع می‌شود، مانند گروه نفی NegP. بنا به اظهار او، در گروه نفی زبان انگلیسی، عنصر «not'» به‌عنوان مشخص‌گر گروه نفی قرار می-گیرد. هستهٔ این گروه در انگلیسی باستان توسط یک عنصر منفی‌ساز «ne» اشغال می‌شد که

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]
[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

امروزه دیگر کاربرد ندارد. به باور حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸: ۱۰۸)، «گروه نفی از هسته و مشخص‌گر تشکیل شده است و جهت تجویز جملات منفی، مطابقه بین هسته ـ مشخص‌گر الزامی است». به گفتهٔ کواک (33 :2006)، «نشانهٔ منفی می‌تواند در هستهٔ گروه نفی یا در مشخص‌گر آن قرار بگیرد». در همین راستا، زانوتینی (24 :1997) به پیروی از پولاک (1989) ادعا می‌کند که نشانگرهای نفی پیش از فعل، هستهٔ گروه نفی و نشانگرهای نفی پس از فعل، قید محسوب می‌شوند. از دیدگاه زیلسترا

> نشانهٔ منفی‌ای که خود بتواند تمام جمله را منفی کند، در جایگاه هستهٔ گروه نفی قرار می‌گیرد. درمقابل، نشانگری که نتواند جمله را منفی کند و نیازمند حضور یک نشانگر منفی دیگری باشد، نمی‌تواند در جایگاه هستهٔ گروه نفی واقع شود و در جایگاه پایین‌تر به‌عنوان واژه‌بست متصل به فعل و یا تصریف فعلی ظاهر می‌شود (168-167 :2004).

همچنین، هگمن (106 :1995) معتقد است رابطهٔ عنصر نفی و هستهٔ آن به‌صورت زیر بیان می‌شود:

الف) عملگر نفی باید در آرایش مشخص‌گر ـ هسته با هستهٔ نفی باشد.

ب) هستهٔ نفی باید در آرایش مشخص‌گر ـ هسته با هستهٔ عملگر[۱۷] باشد.

علاوه‌بر ساخت درونی گروه نفی، شناخت جایگاه این گروه در ساخت سلسله‌مراتبی جمله نیز اهمیت زیادی دارد. به نظر می‌رسد جایگاه گروه نفی در سلسله‌مراتب فرافکن‌های دستوری جمله، پارامتری جهانی است. به عبارت دیگر، جایگاه فرافکن نفی نسبت به سایر گروه‌های نقشی از ترتیبی جهانی پیروی نمی‌کند؛ بلکه تغییری پارامتری است که اوهولا[۱۸] (1991) در قالب «پارامتر نفی» مطرح می‌کند:

الف) نفی، گروه فعلی پوسته‌ای vP را انتخاب می‌کند.

ب) نفی، گروه زمان TP را انتخاب می‌کند (Zeijlstra, 2004: 177).

در این راستا، هورن (7 :2000) نیز پیشنهاد می‌کند که جایگاه گروه نفی با توجه به گروه زمان TP تعیین می‌شود. بنابراین، نفی می‌تواند در زبان‌های مختلف یا درون گروه زمان TP واقع شود یا بیرون از آن. به پیروی از پولاک (1989)، لاکا[۱۹] (3 :1990) شرط سازه‌فرمانی زمان[۲۰] را به شرح زیر بیان می‌کند:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

شرط سازه‌فرمانی زمان: زمان باید در ر-ساخت[۲۱] بر همهٔ عملگرهای گزاره‌ای بند سازه-فرمانی داشته باشد؛ به عبارت دیگر، شرط سازه‌فرمانیِ زمان TCC حاکی از آن است که حضور عملگرهای گزاره‌ای مانند «زمان» به حضور «زمان» بستگی دارند. بر اساس پیشنهاد لاکا (*ibid*)، جایگاه نفی در انگلیسی و باسکی به‌صورت نمودار ۱ طبقه‌بندی می‌شود:

باسکی انگلیسی

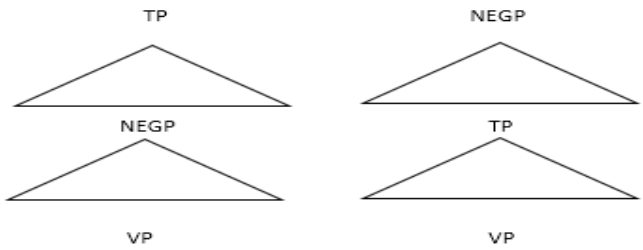

نمودار ۱: ساختار نفی در زبان‌های انگلیسی و باسکی (Laka, 1990: 3)

Figure1: Negation structure in English and Basque languages (Laka, 1990: 3)

همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، در زبان باسکی گروه نفی NegP بر گروه زمان TP سازه‌فرمانی دارد که شرط سازه‌فرمانی زمان TCC را نقض می‌کند. از این رو، لاکا (1990: 10-25) پیشنهاد می‌دهد که ادغام Neg و Inflection/INFL به ارتقای INFL به‌Neg منجر می‌شود.

در این راستا، وی (*ibid*) جمله‌های زیر را به‌عنوان شاهد ارائه داده است:

(8) a) The house hasn't fallen down.
b. extea *ez* da erori.
house-the not has fallen

(Laka, 1990: 15)

همان‌گونه که مثال ۸a نشان می‌دهد، جایگاه نفی در زبان انگلیسی در سمت راست فعل کمکی‌ای که معمولاً در T واقع می‌شود، قرار دارد. بنابراین، در انگلیسی نفی در زیرTP ایجاد می‌شود (Pollock, 1989) و به طور خودکار از شرط TCC پیروی می‌کند. در حالی که، در زبان باسکی، مثال ۸b، نشانهٔ منفی در سمت چپ فعل کمکی قرار دارد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

لاکا (22-18 ,1990) شواهدی را برای توجیه تفاوت در جایگاه نفی در زبان باسکی و انگلیسی ارائه می‌دهد. اولین شاهدی که وی ارائه می‌دهد از حذف حاصل می‌شود. وی (*ibid*) معتقد است، جایگاه نسبی گروه نفی با توجه به «زمان» در انگلیسی و باسکی متفاوت است که این تفاوت از حذف ناشی می‌شود. بر این اساس، در موارد حذف ناشی از همپایگی با حروف ربط، جایی که یک جملهٔ خبری مثبت و جملهٔ دیگر خبری منفی است، نتایج متفاوتی در انگلیسی و باسکی به‌دست می‌آید. به عبارت دیگر، گروه زمان TP را می‌توان در زبان باسکی حذف کرد (مثال ۹b)، در حالی که در زبان انگلیسی این امر به نادستوری شدن جمله منجر می‌شود. مثال-های ۹ این تفاوت را نشان می‌دهند:

(9) a. Mary bought a book and Peter didn't.
* Mary bought a book and Peter not.
b. Marik liburua erosi du eta Peruk ez.
Mari book-the bought has and Peter not
'Mary has bought the book and Peter has not.'

(ibid: 21)

دومین شاهدی که لاکا ارائه می‌دهد مربوط به عبارت‌های قطبی منفی است. زبان انگلیسی درخصوص مجاز شمردن عبارت‌های قطبی منفی برای فاعل ـ مفعول عدم تقارن نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در جملهٔ منفی انگلیسی، عبارت قطبی منفی نمی‌تواند در جایگاه فاعل قرار بگیرد؛ ولی مفعول می‌تواند در این جایگاه واقع شود. در مقابل، لاکا (*ibid*) معتقد است در زبان باسکی از آنجایی که فرافکن نفی بر فرافکن زمان سازه‌فرمانی دارد، عبارت قطبی می‌تواند هم در جایگاه مفعول و هم در جایگاه فاعل واقع شود. در مثال ۱۰a، با قرار گرفتن عبارت قطبی و منفی در جایگاه فاعل در زبان انگلیسی جملهٔ غیردستوری حاصل می‌شود، در حالی که در جملهٔ ۱۰c، عبارت قطبی و منفی می‌تواند در زبان باسکی در ابتدای جمله قرار بگیرد و جملهٔ حاصل نیز دستوری باشد.

(10) a. *Anybody didn't go to the party.
b. John didn't know anybody at the party.
c. ez da inor etorri.
not has anybody come
'Any body didn't come'.

(ibid)

بر اساس شواهد مذکور، لاکا (21 :1990) نتیجه می‌گیرد که در زبان باسکی فرافکن نفی بالاتر از فرافکن زمان قرار می‌گیرد، در حالی که در زبان انگلیسی فرافکن نفی در جایگاه پایین‌تر از فرافکن زمان واقع می‌شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

به‌علاوه، ردفورد (164 :2009) در بررسی مقولهٔ نفی، تحلیلی را برای عنصر نفی ارائه کرده که مبتنی بر کارهایی است که از دههٔ ۱۹۸۰ آغاز شده بود. بر اساس دیدگاه وی، نفی خود شامل یک فرافکن جداگانه NegP است. ردفورد با توجه به شواهد تاریخی از انگلیسی میانه، در این تحلیل «not» را به‌عنوان مشخص‌گر فرافکن نفی و هستهٔ آن را «ne» در نظر می‌گیرد. مثال ۱۱ از انگلیسی میانه آورده شده است:

(11) A lord in his houshold ***ne*** hath ***nat*** every vessel al of gold (lines 99 100)
'A lord in his household does not have all his vessels made entirely of gold'

تحلیلی که ردفورد از جملهٔ ۱۱ ارائه می‌دهد، به صورت زیر است:

(12) [TP A lord . . . [T ne+hath+Af] [NEGP nat [NEG ne+hath] [VP [V hath] every vessel al of gold]]]

(ibid)

همچنین، حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸) به پیروی از پولاک (1989) معتقد است که نفی در فارسی به وسیلهٔ فرافکن نقشی NegP نشان داده می‌شود. هستهٔ نفی NegP، نشانگرهای نفی «na-/ne-» است و مشخص‌گر آن یک عملگر تهی است. عامل نفی ممکن است تهی یا دارای تظاهر آوایی باشد. حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸: ۱۴۹) معتقد است در منفی‌سازی جمله جایگاه عامل در مشخص‌گر گروه نفی تهی است و پیشوند نفی «ni-/na-/ne-» در هستهٔ گروه نفی ظاهر می‌شود. از دیدگاه حجت الله طالقانی (*ibid*) در جملات منفی زبان فارسی همانند زبان باسکی نشانهٔ منفی قبل از فعل کمکی می‌آید که در سمت چپ فعل[۲۲] قرار دارد. به نمونهٔ زیر در زبان فارسی توجه کنید:

(13). qazâ-ro na-xâh-am xord. (فارسی)
food râ not want-1stsg. eat-Past-stm
'I will not eat the food'. طالقانی (۲۰۰۸: ۱۵۶)

بر این اساس، حجت‌الله طالقانی (2008) جایگاه گروه نفی در جملات منفی زبان فارسی را همانند زبان باسکی بر فراز گروه زمان در نظر می‌گیرد. نمودار ۲ ترتیب قرار گرفتن گروه‌های نفی و زمان را در زبان فارسی نشان می‌دهد:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

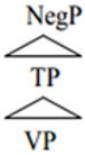

نمودار ۲: جایگاه وقوع گروه نفی در زبان فارسی (*همان*: ۱۵٦)
Figure2: Position of negation in Persian language (ibid: 156)

به‌علاوه، حجت‌الله طالقانی (2008: 156) جایگاه مقولهٔ نفی را در سلسله‌مراتب فرافکنی به صورت زیر پیشنهاد می‌دهد:

(14) [CP[TopP[FocP[NegPNeg[TP[vP[VP]]]]]]]

۴. توصیف و تحلیل داده‌ها

نشانهٔ منفی در گویش لری نشانگری است که هم به‌عنوان واژهٔ نقشی یا ادات نفی و هم به‌عنوان پیشوند کاربرد دارد. در این بخش، ابتدا جایگاه ساخت‌واژی نشانهٔ منفی و سپس جایگاه نحوی آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۴-۱. جایگاه ساخت‌واژی نشانهٔ منفی در گویش لری

نشانهٔ منفی در گویش لری به صورت تکواژ «na-» و تکواژگونهٔ «ni-» استفاده می‌شود. از میان این دو پیشوند، صورت «na-» صورت پیش‌فرض تلقی می شود؛ زیرا در محیط‌های متنوع‌تری به کار می رود و بسیار قاعده‌مندتر است. به طور کلی، نشانهٔ منفی جمله در گویش لری بسته به نوع جمله در جایگاه‌های مختلفی واقع می‌شود. این نشانگر از نظر ساخت‌واژی در جایگاه پیش از ستاک فعلی افعال ساده (مثال ۱۵)، پیش از جزء فعلی در افعال مرکب (مثال۱٦)، افعال مشتق (مثال۱۷)، پیش از صفت مفعولی گذشته در ساختار فعل گذشتهٔ نقلی(مثال۱۸) و گذشتهٔ دور، و پیش از نشانهٔ نمود استمراری در برخی افعال دیگر (مثال۱۹) به‌کار می‌رود و به‌تنهایی قادر است جمله یا گزارهٔ موجود در دامنهٔ خود را منفی کند:

نمونه‌های از جایگاه ساخت‌واژی نشانهٔ منفی در گویش لری در ادامه ارائه شده است:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]
[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

(15) ***na**-ra va hona.*

"به خانه نرفت." (فعل ساده)

(16) *seil-eš **ni**-ken-um*

"بهش نگاه نمی‌کنم." (فعل مرکب)

(17) *ketâba **na**-var-dâšt*

"کتاب را برنداشت." (فعل مشتق)

(18) *kâret ?anǰâm **na**-vab-i*

"کارت انجام نشده است." (صفت مفعولی گذشته)

(19) *bača **na**-ni-le be-xun-e*

"بچه را نمی‌گذارد بخوابد." (پیش از نمود فعلی)

بر اساس مثال‌های ۱۵–۱۹، می‌توان نتیجه گرفت که در گویش لری نشانهٔ منفی به‌صورت پیشوند در جایگاه پیش از فعل قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در ساختار همهٔ انواع فعل این نشانگر پیش از فعل واقع می‌شود. با توجه به طبقه‌بندهایی که پاین (1985) و زانوتینی (1997) از انواع نشانه‌های نفی ارائه داده‌اند، به نظر می رسد که در حالت بی‌نشان، نشانهٔ منفی «na» در گویش لری یک پیشوند منفی‌ساز است که به‌صورت پیش‌فرض در جایگاه بلافاصله پیش از فعل به‌کار می‌رود.

از سوی دیگر، نغزگوی کهن (۱۳۹۰) معتقد است پیشوند نفی در زبان فارسی در آغاز کلمهٔ نقشی بوده است و سپس از رهگذر فرایند دستوری‌شدگی تبدیل به واژه‌بست و وند تصریفی شده‌است. در فارسی امروز شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که پیشوند نفی با دستوری-زدایی به‌صورت پیشوند اشتقاقی درآمده است؛ به عبارت دیگر، فرایند تصریف‌زدایی در آن‌ها قابل مشاهده است (نغزگوی کهن، ۱۳۹۰). نمونه‌های ۲۰ تا ۲۳ نشان می‌دهد که تکواژ نفی در زبان فارسی در ابتدا یک واژهٔ آزاد بوده و با فاصله از فعل به‌کار می‌رفته است:

(۲۰) اگر نه چنین کردی رویت به آتش دوزخ بسوختی.

(۲۱) پس معلوم شد که سبب اسلام صحابه نه به نظر بوده است.

(۲۲) نه فصاحت ازین کامل‌تر دیده‌ام.

(۲۳) من نه به طلب زر آمده‌ام (*همان*: ۹۷).

به نظر می‌رسد که تغییرات تاریخی مطرح‌شده توسط نغزگوی کهن (۱۳۹۰)، هنوز به صورت کامل در لری تحقق نیافته است. بر این اساس، نشانهٔ منفی در این گویش به‌عنوان کلمهٔ نقشی یا ادات نفی پیش از گروه زمان TP (مثال ۲۴) و گروه فعلی (مثال ۲۵) واقع می‌شود. باوجود این، شواهدی نیز در این گویش یافت می‌شود که تحت تأثیر زبان فارسی به‌صورت

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

پیشوند به‌کار می‌رود (مثال ۲۶).

(24) ***na*** *kauš-e malusi-a.*

"کفش قشنگی نیست."

(25) *dâlu* ***na*** *sarehâl-e.*

"پیرزن سرحال نیست."

(26) *hamid šiša-na* ***na****-škand.*

"حمید شیشه را نشکست."

۴-۲. جایگاه نحوی نشانهٔ منفی در گویش لری

در این پژوهش به پیروی از پولاک (1989)، هگمن (1995) و ردفورد (2009) فرض بر این است که نفی در گویش لری یک گروه را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، به پیروی از لاکا (1990)، زانوتینی (1997) و ردفورد (2009)، حجت الله‌طالقانی و کریمی (2007) و حجت‌الله طالقانی (2008) جایگاه نشانهٔ نفی در این گویش در هستهٔ گروه نفی قرار دارد و مشخص‌گر گروه نفی به‌عنوان عملگر تهی عمل می‌کند. همچنین، به منظور رعایت معیار نفی درخصوص جملات منفی، جایگاه مشخص‌گر گروه نفی به پیروی از هگمن (1995)، جایگاه عملگر تهی نفی فرض می‌شود. افزون‌بر این، به پیروی از لاکا (1990)، زانوتینی (1997)، حجت‌الله طالقانی و کریمی (2007) و حجت‌الله طالقانی (2008) جایگاه گروه نفی در این گویش همانند زبان باسکی بر فراز گروه زمان TP در گروه نفی NegP در نظر گرفته می‌شود.[۲۳] نمودار ۳ جایگاه گروه نفی و زمان را در گویش لری نشان می‌دهد:

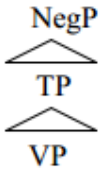

نمودار۳: جایگاه نشانهٔ منفی در گویش لری

Figure3: Position of negative marker in Lori dialect

در نمودار ۳، به منظور رعایت شرط سازه‌فرمانی زمان (Laka, 1990)، هستهٔ زمان تا پیش

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

از سطح صورت آوایی به جایگاه هستهٔ گروه نفی حرکت می‌کند و در این حرکت، محدودیت حرکت هستهٔ چامسکی (1986) نیز رعایت می‌شود.

همان‌گونه که در بخش ۳-۲-۲ ذکر شد، لاکا (1990) بر اساس مثال‌های ۹ و ۱۰شواهدی را ارائه داد که بر اساس آن‌ها جایگاه نفی در زبان انگلیسی بر فراز گروه فعلی و در زبان باسکی بر فراز گروه زمان است. یکی از این شواهد این است که می توان گروه زمان TP را در زبان باسکی حذف کرد، در حالی که در زبان انگلیسی این امر به نادستوری شدن جمله منجر می‌شود. در گویش لری همانند زبان باسکی می‌توان فرافکن TP را از جمله حذف کرد. مثال ۲۷ این امر را نشان می‌دهد.

(27) *?ali ra va madresa vali reza* ***na***.[24]

«علی به مدرسه رفت اما رضا نه».

در مثال ۲۷، گروه زمان از جمله حذف شده است؛ ولی خلاف زبان انگلیسی و همانند زبان باسکی دستوری است. از این رو، می‌توان گفت نشانهٔ منفی در گویش لری همانند نشانهٔ منفی در زبان باسکی عمل می‌کند.

در دومین شاهد، لاکا (1990) معتقد است زبان انگلیسی درخصوص مجاز شمردن عبارت-های قطبی منفی برای فاعل ـ مفعول عدم تقارن را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در جملات منفی انگلیسی عبارت قطبی منفی نمی‌تواند در جایگاه فاعل قرار بگیرد؛ ولی مفعول در این جایگاه واقع می‌شود. در مقابل، به بیان او، در زبان باسکی از آنجایی که فرافکن نفی بر فرافکن زمان سازه-فرمانی دارد، عبارت قطبی می‌تواند در جایگاه فاعل واقع شود. در گویش لریِ مورد مطالعه عبارت قطبی همانند زبان باسکی می‌تواند هم در جایگاه فاعل و هم در جایگاه مفعول قرار بگیرد (مثال ۲۸).

(28) *a.* ***hičkas*** *na-yâmad*

"هیچ‌کس نیامد."

b. maryam ***hičkas****-a na-di*

"مریم هیچ‌کس را ندید."

به پیروی از حجت‌الله طالقانی (2008) و بر اساس شواهد لاکا (1990) می‌توان نتیجه گرفت که در گویش لری، همانند زبان باسکی نشانهٔ منفی بالاتر از فرافکن زمان قرار می‌گیرد، در حالی که در زبان انگلیسی فرافکن نفی در جایگاه پایین‌تر از فرافکن زمان واقع می‌شود.

با وجود این، ّ در گویش لریِ مورد مطالعه علاوه بر جایگاه پیش از گروه زمان NegP1 بسته

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

به نوع جمله در جایگاه‌های نحوی متفاوت دیگری شامل جایگاه پیش از V در جمله‌های غیراسنادی و استفهامی، در جایگاه هستهٔ نفی NegP2 در جملات اسنادی، در جایگاه مشخص‌گر کانون FocP در جمله‌های خبری و در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما CP در جملات مبتدایی و پرسشی بله ـ خیر، به کار می‌رود. در ادامه به بررسی این جایگاه‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. جایگاه پیش از V در جمله‌های غیراسنادی و استفهامی

همان‌گونه که در بخش ٤-۲ ذکر شد، جایگاه اصلی نشانهٔ منفی در گویش لری به‌عنوان یک گروه مستقل بالاتر از گروه زمان قرار دارد. با وجود این، این نشانگر در جایگاه‌های دیگری نیز واقع می‌شود. جایگاه پیش از فعل یکی از جایگاه‌هایی است که نشانهٔ منفی در گویش لری می‌تواند در آن ظاهر شود. در جمله‌های غیر اسنادی ۲۹ و ۳۰ و استفهامی ۳۱ و ۳۲ نشانهٔ منفی به فعل می‌چسبد. این نوع منفی‌سازی بی‌نشان‌ترین شیوهٔ ساخت جملات خبری منفی در گویش لری است. در این جایگاه، نشانهٔ منفی مانند پیشوند عمل می‌کند.

(29) *hamid šiša-næ **na**-škand.*

"حمید شیشه را نشکست."

(30) *?ali kâra ?anǰâm **na**-dâ*

"علی کار را انجام نداد."

(31) *si če kâreta ?anǰâm **na**-daye?*

"برای چی کارت را انجام ندادی؟"

(32) *ku ketâb-a vash **na**-sēri?*

"کدام کتاب را ازش نگرفتی؟"

در مثال‌های ۲۹-۳۲، نشانهٔ منفی پیش از فعل واقع شده است. جملهٔ ۲۹ در نمودار ٤ ارائه شده است:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

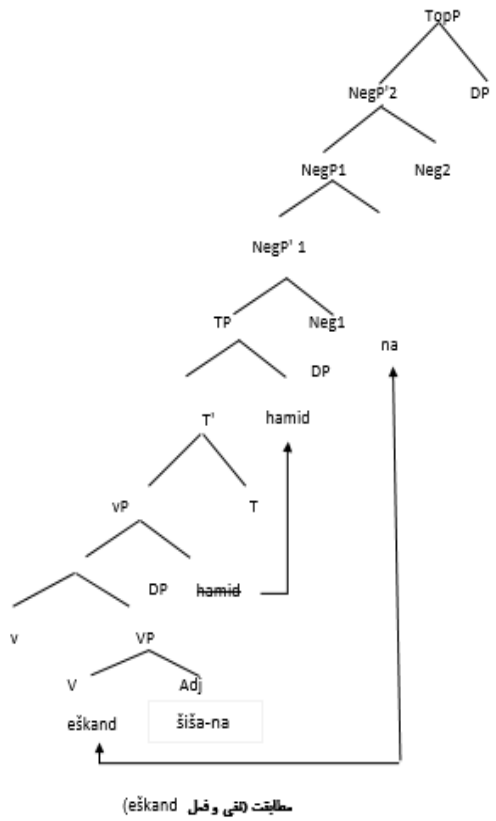

نمودار ۴: جایگاه نشانهٔ منفی پیش از v در جمله‌های غیراسنادی

Figure 4: Position of the negative marker before v in non-attributive sentences

در نمودار٤، ابتدا فاعل جمله طبق اصل فاعل درون‌گروه فعلی[۲۵] در گروه فعلی تولید می‌شود (Sportiche, 1988) و سپس، برای رعایت اصل فرافکنی گسترده[۲۶] به مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند (Chomsky, 1995, 2015; Radford, 2004, 2009). همچنین، همان‌گونه که بیان شد، نشانهٔ منفی در گویش لری نیز در هستهٔ مستقل گروه نفی NegP1

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

همانند زبان باسکی بالاتر از گروه زمان تولید می‌شود.

اکنون پرسشی که در این مورد مطرح می‌شود این است که نشانهٔ منفی «-na» در گویش لری چگونه به فعل می‌چسبد. در گویش لری نشانهٔ منفی به‌عنوان پیشوند منفی در جایگاه بلافصل ماقبل فعل، پس از تولید در جایگاه هستهٔ گروه نفی، از طریق رابطهٔ مطابقه به فعل می‌چسبد. در این مطابقه، مشخصهٔ «+ منفی» بر روی فعل و نیز مشخصهٔ «+ فعلی» بر روی نشانهٔ نفی بازبینی و حذف می‌شوند (مثال ۲۹-۳۲). درحقیقت، v دارای ویژگی +منفی است که از طریق مطابقه با پیشوند «na» برآورده می‌شود. این فرایند به ظهور پیشوند نفی بر روی عنصر فعلی منجر می‌شود (نک: نمودار ٤).

این تحلیل با تحلیل غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) همسوست. آن‌ها بر این باورند که نشانهٔ منفی در گویش دشتستانی به‌عنوان پیشوند منفی در جایگاه بلافاصله پیش از فعل، پس از تولید در جایگاه هستهٔ گروه نفی، با فعل تطابق می‌یابد. در این مطابقه، مشخصهٔ – منفی بر روی فعل و نیز مشخصهٔ –فعلی بر روی نشانهٔ منفی بازبینی و حذف می‌شود (مثال ۳۳ و نمودار ٥).

(33) howâ xu ni.
هوا خوب نیست-نفی
"هوا خوب نیست"

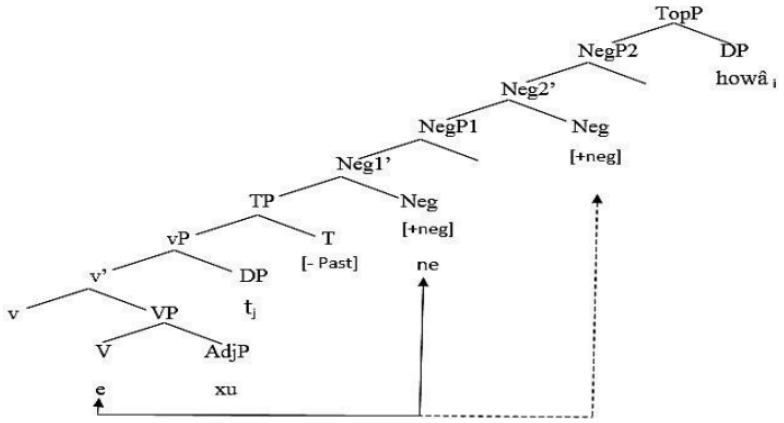

نمودار ۵: مطابقهٔ فعل با نشانهٔ نفی متصل و نشانهٔ نفی منفصل

(غلامعلی‌زاده و همکاران: ۱۳۹۵: ۸٤)

Figure 5: The agreement of verb with the adjunct and non-adjunct negative marker (Gholamalizadeh et al : 1395: 84)

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

افزون بر این، حجت‌الله طالقانی (2008) نیز معتقد است که در زبان فارسی رابطهٔ بین مشخصهٔ منفی بر روی فعل و مشخصهٔ فعلی بر روی نشانهٔ منفی از طریق رابطهٔ مطابقه صورت می‌گیرد.

با وجود این، این تحلیل با تحلیل‌های صدیق‌ضیابری و همکاران (۱۳۸٤)، حسینی معصوم (۱۳۹۰) و رضایی (۱۳۹۲) همسو نیست. این پژوهشگران بر این باورند که جایگاه گروه نفی پایین‌تر از زمان و بالای گروه فعلی پوسته‌ای قرار دارد.

۴-۲-۲. نشانهٔ منفی در جایگاه هستهٔ نفی در جملات اسنادی

یکی دیگر از جایگاه‌هایی که نشانهٔ منفی در گویش لری می‌تواند ظاهر شود، جایگاه هستهٔ نفی NegP2 است. در این گویش، این نوع منفی‌سازی به‌طور عمده در جملات دارای افعال اسنادی به‌کار می‌رود. در چنین جملاتی، نشانهٔ منفی دارای نوعی تأکید است و آهنگ تولید جمله افتان است. در گویش لری، این نوع منفی‌سازی به‌طور عمده در مورد جملات دارای افعال اسنادی به‌کار می‌رود. در این جایگاه، این نشانه یک «قید نفی» و نه یک «پیشوند» است. برای مثال، در جملهٔ‌های ۳٤ تا ۳۷ نشانهٔ منفی پیش از گروه زمان و در جایگاه هستهٔ گروه نفی Negp2 واقع شده است.

(34) *dâlu* ***na*** *sarehâl-e.* "پیرزن سرحال نیست."

(35) *dekun* ***na*** *vâz-e.* "مغازه باز نیست."

(36) *?ustâd* ***na*** *? uro bi* "استاد آنجا نبود."

(37) *deraxt-al* ***na*** *sauz biyen* "درخت‌ها سبز نبودند."

نمودار جملهٔ (۳۵)، به عنوان نمونه‌ای از این جملات در زیر ارائه شده است:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

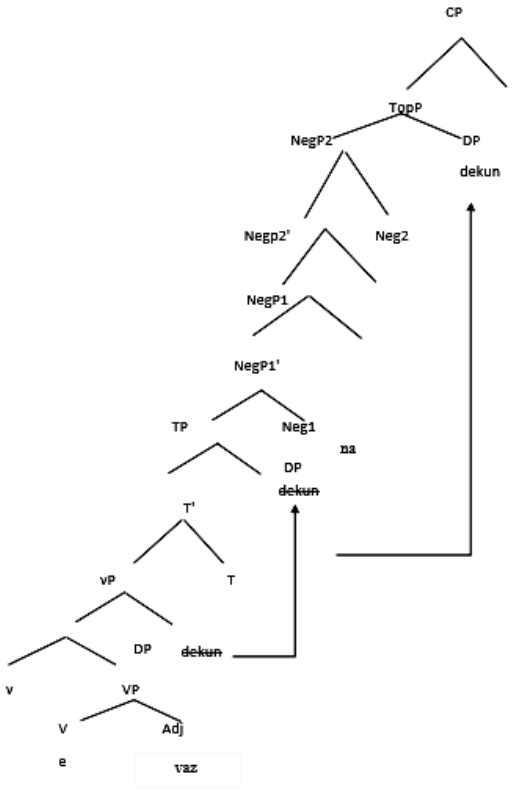

نمودار ۶: نشانهٔ منفی جایگاه هستهٔ نفی NegP2

Figure 6: The negative marker in the position of negative head

در نمودار ٦، ابتدا فاعل جمله بر طبق اصل فاعل درون گروه فعلی در گروه فعلی تولید می‌شود و سپس، برای رعایت اصل فرافکنی گسترده به مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. در جملهٔ ۳۵ نفی به‌عنوان گروهی مستقل و پیش از گروه زمان TP در جایگاه مشخص‌گر نفی NegP2 با ویژگی‌های متمایز در جایگاه بالاتر تولید می‌شود و به‌دلیل عدم انضمام به فعل در ساخت آوایی، در همان جایگاه تولید باقی می‌ماند. این نشانگر، یک «نشانهٔ منفی منفصل» است نه یک «نشانهٔ منفی متصل» یا «پیشوند». همچنین، نشانهٔ منفی در این جمله نوعی تأکید دارد و

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

آهنگ تولید آن نیز افتان است؛ از این رو، فاعل در حرکت دوم پس از عبور از مشخص‌گر گروه نفی، در جایگاه مشخص‌گر گروه مبتدا[۲۷] می‌نشیند و از این طریق محدودیت حرکت هستهٔ چامسکی (1986) نیز رعایت می‌شود.

با وجود این، جایگاه نشانهٔ منفی در این نوع جملات با جملاتی که نشانهٔ منفی در آن‌ها به فعل می‌چسبد، متفاوت است. دلیل این تمایز را می‌توان این گونه بیان کرد که به لحاظ نظری، نمی‌توان تصور کرد که مشخصهٔ منفی به طور هم‌زمان هم دارای مشخصهٔ قوی باشد و به فعل بچسبد و هم دارای مشخصهٔ ضعیف باشد و به فعل وصل نشود. همچنین، رفتار ساخت‌واژی نشانهٔ منفی در جایگاه بلافاصله پیش از فعل، از یک طرف، و قبل از متمم‌های گروهی و نیز قبل از جملات پرسشی ،از طرف دیگر، تا حدی متفاوت است. به عبارت دیگر، نشانهٔ منفی منفصل علاوه بر اینکه برجستگی بیشتری دارد، فقط به صورت نشانگر تغییرناپذیر «ne» ظاهر می‌شود؛ در حالی که نشانهٔ منفی متصل «-ne»، بسته به بافت آوایی، صورت‌های متفاوتی دارد. از سوی دیگر، بر اساس برنامهٔ کمینه‌گرا قائل شدن به سازوکار «حرکت» در اولویت نیست؛ زیرا در برنامهٔ کمینه‌گرا، فرایند حرکت در مقایسه با فرایند ادغام پرهزینه‌تر است. به این ترتیب، محتمل‌ترین استدلال، قائل شدن به یک جایگاه تولید متفاوت از طریق فرایند ادغام است.

این تحلیل همسو با تحلیل غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) است.

۴-۲-۳. نشانهٔ منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون

در گویش لری ، نشانهٔ منفی می‌تواند پیش از TP در جایگاه مشخص‌گر کانون FocP در جمله‌های خبری اسنادی ظاهر شود. در این راستا، ابتدا جمله‌های خبری‌ای که نشانهٔ منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون FocP قرار می‌گیرد، بررسی می‌شود. در جملات خبری ۳۸ تا ۴۱، نشانهٔ منفی پیش از کل جمله به‌کار می‌رود و در این حالت، آهنگ تولید جمله افتان است. همچنین، در این جمله‌ها (۳۸ تا ۴۱) نشانهٔ منفی در ابتدا در جایگاه پیش از گروه زمان TP در هستهٔ گروه نفی NegP2 قرار دارد و سپس به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون FocP حرکت می‌کند؛ زیرا هستهٔ کانون دارای ویژگی لبه است ([+Q, +Neg]) و این ویژگی لبه باعث می‌شود نهاد گروه منفی را به سمت مشخص‌گر خود جذب کند. در این صورت، نشانهٔ منفی در گویش لری همانند « قید نفی» عمل می‌کند و به جایگاه مشخص‌گر کانون حرکت می‌کند.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

(38) ***na*** *kauš malusi-a*

"کفش قشنگی نیست."

(39) ***na*** *gagu lišiy-a*

"برادر بدی نیست."

(40) ***na*** *kar saxti-a*

"کار سختی نیست."

(41) ***na*** *harf-e derosia*

"حرف درستی نیست."

نمودار جملهٔ ۳۸ به‌عنوان نمونه‌ای از وقوع نشانهٔ منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون در زیر ارائه شده است:

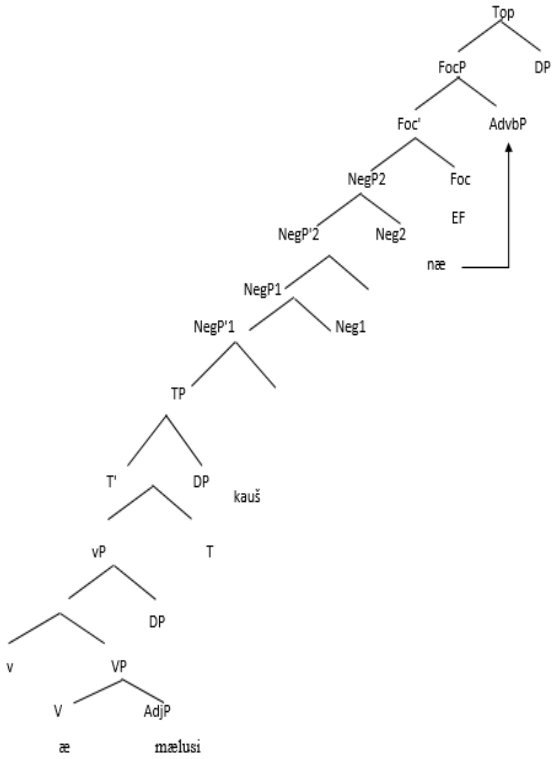

نمودار ۷: نشانهٔ منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون

Figure 7: The negative marker in the position of Focus Complimentizer

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

در نمودار ۷، ابتدا فاعل جمله بر طبق اصل فاعل درون گروه فعلی در گروه فعلی تولید می‌شود و سپس، برای رعایت اصل فرافکنی گسترده به مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. نشانهٔ منفی به این دلیل که هستهٔ کانون دارای مشخصهٔ لبه است از جایگاه هستهٔ NegP2 به سمت مشخص‌گر گروه کانون حرکت می‌کند. در ادامه، شواهدی در تبیین این جایگاه نفی در گویش لری ارائه می‌شود.

اولین شاهد مبتنی بر دیدگاه ردفورد (2009) است. از دیدگاه ردفورد در بعضی از جملات زبان انگلیسیِ دارای عبارت منفی، عبارت منفی به جایگاه مشخص‌گر کانون حرکت می کند. برای مثال در جملهٔ ۴۲ سازهٔ no other language به جایگاه مشخص‌گر کانون حرکت کرده است.

(42) No other language would he return to

وی (*ibid*: 325) بر اساس فرضیهٔ CP چندگانه ساختار زیر را برای جملهٔ ۴۲ ترسیم می‌کند:

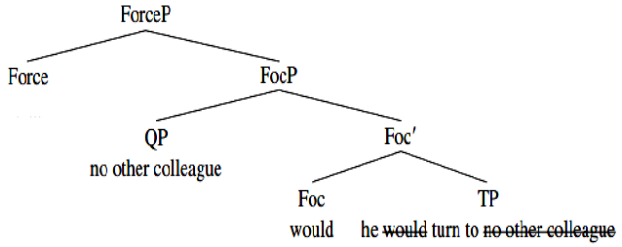

نمودار ۸: ساختار درختی جملهٔ No other language would he return to (ردفورد، همان)

Figure 8: The tree diagram of "no other language would he return to" (Redford, *ibid*)

ردفورد (*ibid*) دلیل این امر را مبنی بر این می‌داند که هستهٔ سازهٔ کانون دارای ویژگی لبه است که این ویژگی باعث می‌شود عبارت منفی را به خود جذب کند و آن را به جایگاه مشخص‌گر کانون حرکت دهد.

همچنین، خانلری (۱۳۷۷: ۱۲۸) معتقد است که گاهی برای تأکید در نفی، فعل به صورت مثبت می‌آید و نشانهٔ منفی در ابتدای جمله، پیش از نهاد قرار می‌گیرد. در چنین حالتی، نشانهٔ

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

منفی «ن»، که جدا و مانند واژهٔ مستقلی نوشته می‌شود، در حکم قید نفی است. خانلری (*همان*) مثال‌های زیر را برای اثبات این ادعا ارائه کرده است:

(٤٣) نه چنین است= چنین نیست

(٤٤) نه هر آنکه آینه سازد سکندری داند= هر که آینه سازد سکندری نداند.

همچنین، زیلسترا (54 :2004) با ارائهٔ مثال‌هایی نشان داده است که نشانهٔ منفی در زبان انگلیسیِ باستان در قرن‌های ۱۱ و ۱۲ می‌توانست برای تأکید در ابتدای جمله قرار بگیرد؛ مانند:

(45) a. **Ne** het he us na leornian heofonas te make (انگلیسی باستان قرن ۱۱)
Neg called he us neg learn heavens to make
'He didn't order us to make heavens'

b. Þis **ne** habbe ic nauht ofearned (انگلیسی باستان قرن ۱۲)
This neg have I neg deserved
'I haven't deserved this

با استناد به شواهد ارائه‌شده از ردفورد (2009)، خانلری (۱۳۷۷) و زیلسترا (2004) می‌توان نتیجه گرفت که نشانهٔ منفی در گویش لری همانند « قید نفی» عمل می‌کند و به‌دلیل دارا بودن مشخصهٔ لبهٔ هستهٔ کانون در جایگاه مشخص‌گر کانون قرار می‌گیرد.

۴-۲-۴. نشانهٔ منفی در جایگاه هستهٔ متمم‌نما

نشانهٔ منفی در گویش لری در جملات پرسشی بله ـ خیر می‌تواند در جایگاه هستهٔ متمم‌نما CP پیش از TP قرار گیرد. این گونه جملات را می‌توان با تغییر در آهنگ جمله از افتان به خیزان پرسشی کرد. در مثال های ٤٦ تا ٤٩ ، جایگاه نشانهٔ منفی در جملات پرسشی بله ـ خیر منفی بررسی می‌شود.

(46) ***na*** *felâs qašangi-y-a?*
"فلاکس قشنگی نیست؟"

(47) ***na*** *rang šâdi-y-a?*
"رنگ شادی نیست؟"

(48) ***na*** *dars moškeli-y-a?*
"درس مشلی نیست؟"

(49) ***na*** *masalaye mohem-y-* a?
"مسئله مهمی نیست؟"

در جمله‌های ٤٦ تا ٤٩ نشانهٔ منفی «na» به عنوان «قید نفی» از جایگاه اصلی خود، یعنی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

هستهٔ نفی به جایگاه مشخص‌گر متمم‌نما CP حرکت می‌کند. همچنین، فاعل برای رعایت محدودیت حرکت هستهٔ چامسکی (1986) به جایگاه مشخص‌گرِ گروه مبتدا TopP حرکت می‌کند. جملهٔ ٤٦ در نمودار ۹ ارائه شده است:

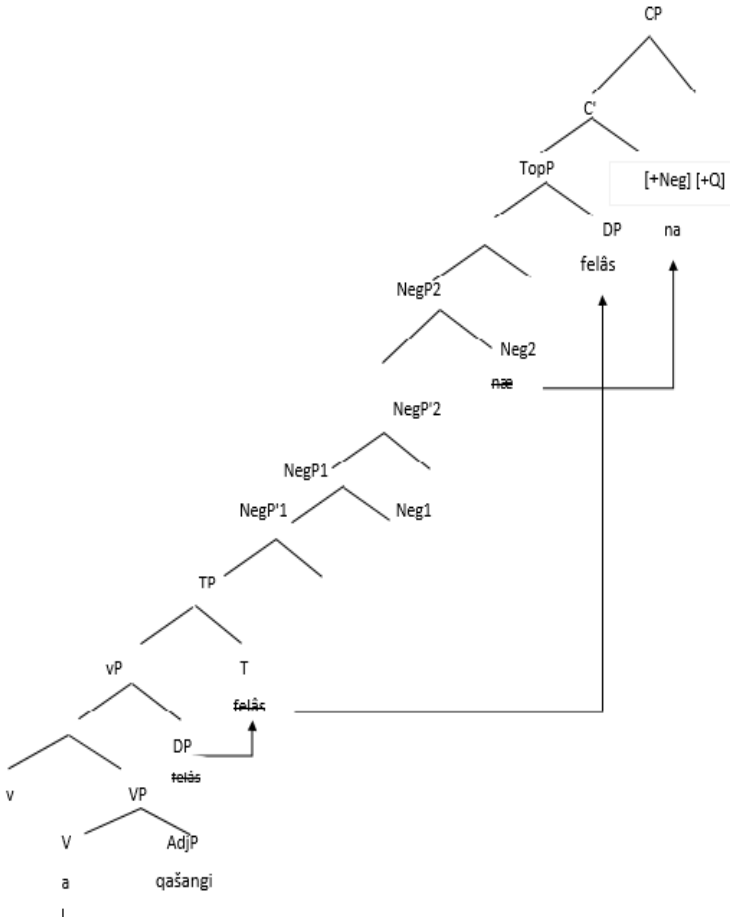

نمودار ۹: جایگاه نشانهٔ منفی در جایگاه هستهٔ متمم‌نما CP در جملات پرسشی بلی ـ خیر

Figure9: The Position of negative marker in Complimentizer position (CP) in yes-no questions

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

در نمودار ۹، فاعل در ابتدا بر اساس فرضیهٔ فاعل درون گروه فعلی تولید می‌شود و سپس برای رعایت اصل فرافکنی گسترده به مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. در حرکت دوم، فاعل برای تأکید از جایگاه مشخص‌گر گروه زمان به جایگاه مشخص‌گر گروه مبتدا حرکت می‌کند و از این طریق محدودیت حرکت هستهٔ چامسکی (1986) نیز رعایت می‌شود. نشانهٔ منفی نیز از جایگاه هستهٔ نفی NegP1 به سمت جایگاه هستهٔ گروهِ متمم‌نما CP حرکت می‌کند و از این طریق مشخصهٔ‌های +نفی و +پرسشی هستهٔ متمم‌نما بازبینی می‌شود. در ادامه، با ارائهٔ شواهدی به تبیین این جایگاه پرداخته می‌شود.

شاهد اول مربوط به جملات خبری معادل جملات پرسشی بلی ـ خیر در گویش لری است که در آن‌ها نشانهٔ منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون است. جملات خبری ۵۰-۵۳ با تغییر آهنگ از افتان به خیزان به جملهٔ پرسشی تبدیل شده‌اند. همان‌گونه که در زیربخش ۲-٤ بیان شد، در جملات خبری‌ای که نشانهٔ منفی در ابتدای جمله ظاهر می‌شود، نشانهٔ منفی در جایگاه مشخص-گر کانون قرار دارد. از این رو، نشانهٔ منفی در جملات پرسشی بلی ـ خیر و معادل آن‌ها جایگا-های متفاوتی را اشغال می‌کند.

(50) ***na*** *felâs qašangi-y-a.*

"فلاکس قشنگی نیست."

(51) ***na*** *rang šâdi-y-a.*

"رنگ شادی نیست."

(52) ***na*** *dars moškeli-y-a.*

"درس مشلی نیست."

(53) ***na*** *masalaye mohem-y-* a.

"مسئله مهمی نیست."

علاوه بر این، از دیدگاه مسکاتی (38 :2006) در زبان‌هایی مانند انگلیسی و ایتالیایی که به طور معمول نفی را در چارچوب نظام تصریفی‌شان بیان می‌کنند، ممکن است در برخی مواقع ویژگی نفی در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار بگیرد. از این رو، می‌توان گفت در گویش لری هستهٔ گروه متمم‌نما ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند جایگاه فرود مناسبی برای نشانهٔ نفی در این گونه جملات پرسشی فراهم کند.

به علاوه، ردفورد (194 :2009) معتقد است بندهای پرسشی بندهایی هستند که دارای هستهٔ C با مشخصهٔ پرسشی قوی [+پرسشی] است. این ویژگی‌ها سبب می‌شود کوچک‌ترین

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

فرافکن بیشینهٔ ممکن حاوی نزدیک‌ترین پرسش‌واژه را به خود جذب کند تا آن را به هستهٔ CP حرکت دهد. همچنین، به باور ویس (2002: 324) در بسیاری از زبان‌ها ازجمله چینی، ایتالیایی و بایرانی، نشانهٔ منفی می‌تواند همانند یک نشانگر پرسشی عمل کند. برای مثال، در زبان چینی، جملات پرسشی بله ـ خیر یا با اضافه کردن نشانهٔ پرسشی «ma» (مثال ٥٤a) یا نشانهٔ نفی «meiyou» (مثال ٥٤b) ساخته می‌شوند:

(54)

a Ta lai-le *ma*?
he come-perf. y/n

b Hufei qu-le *meiyou*?
H. go-perf. neg

ویس (2002: 324)

همچنین، غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) بر این باورند در گویش دشتستانی در جملات پرسشی بلی ـ خیر منفی، نشانهٔ منفی به‌عنوان جزء قیدی از جایگاه هستهٔ گروه نفی غیرمنضم به فعل حرکت می‌کند و در جایگاه هستهٔ گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد تا ضمن رعایت معیار نفی، تعبیر پرسشی جمله را فراهم سازد.

بدین‌ترتیب، با توجه به قرارگرفتن نشانهٔ منفی در جایگاه هستهٔ متمم‌نما در جملات پرسشی در زبان‌های چینی، ایتالیایی و بایرانی (Weiss, 2002)، همانندی نشانهٔ منفی و پرسشی در زبان انگلیسی و ایتالیایی (Moscati, 2006)، قوی بودن مشخصهٔ پرسشی در جملات پرسشی زبان انگلیسی (Radford, 2009) ، قرار گرفتن نشانهٔ منفی در جایگاه هستهٔ متمم‌نما در جملات پرسشی گویش دشتستانی (غلامعلی‌زاده و همکاران، ۱۹۹۵) و همچنین معادل پرسشی جملات خبری در گویش لری، جایگاه نشانهٔ منفی در گویش لری در جملات پرسشی بلی ـ خیر در هستهٔ متمم‌نما تصدیق می‌شود.

۵. نتیجه

در این مقاله جایگاه و کارکرد مقولهٔ نفی در گویش لری بر اساس نظریهٔ کمینه‌گرایی بررسی شد. بدین منظور، ابتدا به مطالعهٔ پیشوند بودن یا واژهٔ نقشی بودن نشانهٔ منفی پرداخته شد. سپس، سعی شد که به جایگاه‌های مختلف نشانهٔ منفی در این گویش بپردازیم. با بررسی نشانهٔ منفی در گویش لری مشخص شد که نشانهٔ منفی در این گویش یک واژه‌نقشی است که متأثر از

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

زبان فارسی به صورت پیشوند نیز به‌کار می‌رود. از این رو، فرضیهٔ اول پژوهشی مبنی بر واژه‌نقشی بودن بیانگر نفی در گویش لری تأیید می‌شود. همچنین، روشن شد که این نشانگر می‌تواند در جایگاه‌های مختلفی ظاهر شود که این جایگاه‌ها عبارت‌اند از: در جایگاه هستهٔ نفی NegP1، هستهٔ گروه نفی NegP2، مشخص‌گر FocP و هستهٔ متمم‌نما. به طور خلاصه، نشانهٔ منفی در گویش لری پیش از گروه زمان TP و به‌عنوان گروهی مستقل تولید می‌شود. با وجود این، این نشانگر جایگاه‌های مختلفی در جمله دارد. در جملات غیراسنادی و پرسشی، نشانهٔ منفی پیش از گروه زمان TP در هستهٔ گروه منفی NegP1 تولید می‌شود، سپس بر اساس معیار مطابقه (چامسکی، ۱۹۸٦) به سمت فعل جذب می‌شود. در این جایگاه، نشانهٔ منفی همانند «پیشوند» عمل می‌کند. هستهٔ گروه نفی NegP2 دیگر جایگاهی است که این نشانگر در آن ظاهر می‌شود. در این جایگاه، نشانهٔ منفی دستخوش هیچ گونه حرکتی نمی‌شود و به‌دلیل شرط اقتصادی بودن در جایگاه خود باقی می‌ماند. علاوه بر این، نشانهٔ منفی می‌تواند از جایگاه خود در NegP2 به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون FocP حرکت کند که انگیزهٔ این حرکت این است که گروه کانون دارای ویژگی لبه است و درنتیجه نشانهٔ منفی را به سمت خود جذب می‌کند. درنهایت، نشانهٔ منفی می‌تواند در جایگاه هستهٔ متمم‌نما CP قرار بگیرد. در این سه جایگاه (هستهٔ گروه نفی NegP2، مشخص‌گر گروه کانون FocP و هستهٔ متمم‌نما CP همانند قید عمل می‌کند. بنابراین، فرضیهٔ دوم پژوهش که نشان می‌داد نشانهٔ منفی در گویش لری در جایگاه‌های هستهٔ نفی NegP1، هستهٔ گروه نفی NegP2، مشخص‌گر FocP و هستهٔ متمم‌نما ظاهر می‌شود، تأیید می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان انگارهٔ نشانهٔ منفی در گویش لری کهگیلویه را به صورت مثال ۵۵ بیان کرد:

(55) CP[TopP[FocP[NegP2Neg2[NegP1Neg1[TP[Vp[VP]]]]]]]

۶. پی‌نوشت‌ها

۱. در ادامهٔ پژوهش به جای «گویش لری شهرستان کهگیلویه» برای اختصار از «گویش لری» استفاده می‌شود.

2. Pollock
3. Kwak

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

4. verb Phrase/vP
5. Boeckx
6. Lexicon
7. Computational system
8. derivations
9. merge
10. move
11. Sentential Negation
12. Constituent Negation
13. Horn
14. NEG FIRST PRINCIPLE
15. Kachru
16. Occitan
17. Operator
18. Ouhalla
19. Laka
20. Tense C-command Condition/ TCC
21. S-Structure

۲۲. . حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸) با توجه به واج‌نوشته‌ها که از سمت چپ انجام شده است چنین جایگاهی را برای نشانه منفی مطرح کرده است، در حالی که نگارندگان پژوهش حاضر بر اساس جهت نگارش فارسی سمت راست را برای آن پیشنهاد کرده‌اند.

۲۳. اگرچه الگوی نظری اصلی این پژوهش نظریه کمینه‌گرایی چامسکی (۲۰۱۵/۱۹۹۵) است، اما زبان-شناسان دیگری نیز در نحو کمینه‌گرا نظریه وی را گسترش دادند. به همین دلیل، در تبیین جایگاه نحوی نشانه نفی در گویش لری کهگیلویه از دیدگاه سایر افراد نیز استفاده شده است.

۲٤. در این جمله، *رضا* ابتدا از درون گروه فعلی به جایگاه مشخص‌گر TP حرکت کرده است. سپس برای تاکید به جایگاه قبل از گروه نفی حرکت می‌کند.

25. VP-Internal Subject Hypothesis/VPISH
26. Extended Projection Principle/EPP
27. Topic Phrase/TopP

۷. منابع

- حسینی معصوم، محمد (۱۳۹۰). «بررسی جایگاه و کارکرد مقولهٔ نفی در تحلیل ساختی فارسی و تبیین فرایند منفی‌سازی». ***زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان***. ش ۳ (۵). صص۱۷-۳٤.
- رضایی، آرش (۱۳۹۲). ***جایگاه گروه نفی در نحو زبان فارسی***. پایان‌نامهٔ کارشناسی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

ارشد. رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی.

- غلامعلی‌زاده، خسرو و همکاران (۱۳۹۵). «رویکردی کمینه‌گرا به توزیع نشانهٔ نفی در جملات پرسشی بلی ـ خیر در گویش دشتستانی». ***جستارهای زبانی***. ش ۷ (۳۵). صص ۷۳-۹۵.
- صدیق ضیابری، رویا و همکاران (۱۳۸٤). «تحلیل جایگاه عنصر نفی در زبان فارسی در چارچوب برنامهٔ کمینه‌گرا». ***مجموعه‌مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران***.
- نغرگوی‌کهن، محمدرضا (۱۳۹۰). «مقایسهٔ دستوری‌شدگی و دستوری‌زدایی در فارسی کنونی: مطالعهٔ موردی تبدیل برخی وندهای تصریفی به اشتقاقی». ***زبان‌شناسی و گویش-های خراسان***. ش ۳ (٤). صص ۸۹-۱۰۹.

References:

- Adger, D. (2003). *Core Syntax, a Minimalist Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Boeckx, C. (2006). *Linguistic Minimalism: Origins, Concepts, Methods, and Aims*. New York: Oxford University Press Inc.
- Chomsky, N. (1992). *A Minimalist Program for Linguistic Theory (= MIT Occasional Papers in Linguistics 1*). Cambridge, Massachusetts.
- Chomsky, N. (2001). "Derivation by phase". In Kenstowicz, M (Ed.) *Ken Hale: A Life in Language*. MIT Press.
- Chomsky, N. [1995] (2015). *The Minimalist Program*. MIT Press.
- Darzi, A. (2008). Subjunctive-negation interaction in Persian, Proceeding of the 18th International Congress of Linguists, Korea University: Seoul, Korea.
- Gholamalizadeh, Kh.; Sh. Tafakkori Rezayi & H. Moghani, (2017), "A minimalist approach to the distribution of the sentential negative marker in yes-no questions in Dashtestani Dialect". *Language Related Research*. 7(7). Pp. 73-95. [In Persian].
- Haegeman, L. (1995). *The Syntax of Negation*. Cambridge University Press.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

- Hojatollah Taleghani, A. (2006). *The Interaction of Modality, Aspect and Negation in Persian*. Ph.D. Dissertation: University of Arizona.
- ---------- (2008). *The Interaction of Modality, Aspect and Negation in Persian*. John Amsterdam & Philadelphia: Benjamin's Publishing.
- Horn, L. (2000). Any and (-)ever. Free Choice and Free Relatives. WYNER, (2002): 71-111.
- ---------- (1989). *A Natural History of Negation*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Hosseini-Maasoum, M. (2011). "The function of negation category in the syntactic analysis of Persian; An account of the negation process". *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*. 3(5).Pp. 17-34. [In Persian].
- Jespersen, O. (1917). *Negation in English and Other Languages.* A. F. Host, Copenhagen.
- Karimi, S. & A. Taleghani, (2007), Wh-movement, interpretation, and optionality in Persian. *Phrasal and clausal architecture: Syntactic Derivation and Interpretation*.Pp. 167-187.
- Karimi, S. (2005). *A minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian* (Vol. 76). Walter de Gruyter.
- Kwak, S. & A. Darzi, (2006). "The syntax and semantics of Persian NCI, hič-phrase". *Proceeding of the 2nd workshop on the Persian language and computer*. Pp. 55-69. Tehran Univ.
- ---------- (2010). "Negation in Persian". *Iranian Studies*, *43*(5).Pp. 621-636.
- Laka, I. (1990). *Negation in syntax--on the nature of functional categories and projections* (Doctoral dissertation, Massachusetts Inst. of Technology Cambridge).
- Lasnik, H. (2002). The Minimalist program in syntax. *Trends in Cognitive Sciences* 6. Pp. 432-437.
- Mazzon, G. (2004). *A History of English Negation*. Pearson Education.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

- Moscati, V. (2006). *The Scope of Negation*. Ph.D. Dissertation. University of Siena.
- Naghzguy Kohan, M. (2011). A comparative study of Grammaticalization and Degrammaticalization in Persian (A case study: change of some inflectional affixes into derivational ones). *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*. 3(4).Pp. 89-109 In Persian].
- Ouhalla, J. (1991). *Functional Categories and Parametric Variation*. London/New York: Routledge.
- Payne, J. R. (1985). "Negation". In: Timothy Shopen (Ed.) *Language Typology and Syntactic Description*, Vol. I: Clause Structure. Cambridge, UK: Cambridge University Press. Pp. 197–242.
- Pesetsky, D. (1995*). Zero Syntax: Experiences and Cascades*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Pollock, J.Y. (1989). Verb movement, universal grammar, and the structure of IP. *Linguistic Inquiry,* 20.Pp. 365-424.
- Radford, A. (2004). *Minimalist Syntax, Exploring the Structure of English.* Cambridge: Cambridge University Press.
- ---------- (2009). *Analysing English sentences: A minimalist approach.* Cambridge University Press.
- Rezaei, A. (2013). "Position of negative group in Persian syntax. *Master's thesis in General Linguistics*. Allameh Tabataba'i University. [In Persian].
- Sediq Ziaberi, R.; A. Jafari & M. Dabirmoghadam (2005). "The analysis of the position of the negation element in the Persian language based on the framework of the Minimalist Program". *Collection of articles of the first conference of Linguistic Society of Iran*. University of Tehran. [In Persian].
- Weiss, H. (2002). "Three types of negation: a case study in Bavarian". In: Sjef Barbiers, Leonie Cornips & Susanne Van der Kleij (Eds.), *Syntactic Microvariation*. Electronic Publication: Meertens Institute, pp. 305-332.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]

- Zanuttini, R. (1997b). *Negation and Clausal Structure: A Comparative Study of Romance Languages*. New York: Oxford University Press.
- Zeijlstra, H. (2016). Diachronic Developments in the Domain of Negation. *Language and Linguistics Compass*, 10(6).Pp. 284-295.
- Zeijlstra, H.H. (2004). *Sentential Negation and Negative Concord.* Ph.D. Dissertation. University of Amsterdam. Utrecht: LOT Publications.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1397.9.5.3.6]